

ضرورت تغییر نگرش خریداران

لوزگن آکار روزنامه‌نگار و کارآگاه ترکیه سی سال است که قاچاقچیان آثار هنری را تعقیب می‌کند. کشفیات او موزه‌های معتبر خارجی را به دادگاه کشانده و گنجینه‌ها را به کشورهای مبدأ بازگردانده است.

گفت‌وگوکننده: میشل بسیه

خبرنگار مجله پیام یونسکو

۱۹۸۴ به نمایش گذاشت. آنها را دیدم و اطمینان حاصل کردم که با اطلاعات تفضیلی من هماهنگ‌اند. تا ۱۹۸۶ زمانی که یافته‌هایم را در روزنامه ترکیه که برای آن کار می‌کردم چاپ کردم، به تحقیقاتم ادامه دادم. دولت ترکیه در دادگاه فدرال نیویورک از موزه شکایت کرد. شش سال بعد موزه متروپولیتن مجبور به بازگرداندن گنجینه شد.

تحقیقات شما یک شبکه قاچاق را متلاشی کرد! چهار کشاورز در مقبره‌ای در ایالت Usak گنجینه‌ای پیدا کردند. آنها گنجینه را در از میر به قاچاقچی معروف فروختند و او نیز آن را به جان کلیچ من صاحب گالری عتیقه در نیویورک فروخت. اهالی روستای مجاور بعد از این که فهمیدند آن چهار روستایی از یافتن این گنجینه به پول رسیده‌اند، تصمیم گرفتند که شانس خود را امتحان کنند. در همین زمان، نقاش‌های دیواری دو مقبره دیگر نیز سرقت و به نیویورک انتقال داده شدند. باید بگویم که هنوز از دیتیریش فون بوتمر مدیر بخش یونان-روم موزه به دلیل خرید گنجینه برای موزه متروپولیتن گله‌مندم. هرچند اگر او کل مجموعه را نخریده بود، جمع‌آوری مجدد تمام گنجینه غیرممکن می‌شد.

آیا همه موزه‌های کشورهای غربی و مجموعه‌داران خصوصی مانند موزه متروپولیتن با بی‌میلی و نارضایتی آثار هنری مسروقه را بازمی‌گردانند؟

در دهه ۱۹۸۰، پلیس آنتالیا گروهی قاچاقچی را دستگیر کرد. آنها گنجینه‌ای از سکه‌های یونانی متعلق به قرن پنجم قبل از میلاد را در ایلام حفاری کرده بودند. گنجینه الماسی به قدری مهم بود که بعداً آن را «گنجینه قرن» نامیدند. ۱۹۰۰ سکه نقره این گنجینه ناپدید شده بود. من رد آنها را تا ادیب تلی و فواد اوزولمز، دو دلال مورد احترام در مونیخ پیدا کردم تا اینکه ماجرا آشکار شد. آنها با نوزت تلی (Nevzat telli) در لندن که در کنار حرفه نساجی‌اش در قاچاق مواد مخدر و عتیقه هم دست داشت ارتباط داشتند. پلیس و دادستان این کشورها با اظهار این مطلب که «تجارت آثار باستانی در کشورشان جرم محسوب نمی‌شود» کسی را در این مورد دستگیر نکردند. من به این نتیجه رسیدم که گنجینه در تصرف ویلیام کوچ یکی از

به عنوان یک روزنامه‌نگار،

چندین مورد

قاچاق آثار هنری را کشف کرده‌اید. چگونه وارد این ماجرا شدید؟

من در رشته‌های اقتصاد و علوم سیاسی تحصیل کرده‌ام. باستان‌شناسی سرگرمی من است. در ژوئیه ۱۹۷۰ پیتر هایپرک خبرنگار روزنامه ساندی تایمز به ترکیه آمد. او به دنبال سرنخی از قاچاق گنجینه‌ای مهم از سلسله پادشاهی کروزوس آخرین پادشاه لیدیا بود که تاریخ آن به قرن ششم قبل از میلاد بازمی‌گشت. این موضوع را با هم بررسی کردیم. موزه هنر متروپولیتن نیویورک گنجینه را خریداری و آن را در گاو‌سندوق‌های فلزی در زیرزمین موزه پنهان کرده بود. اگر مؤسسه بین‌المللی معروفی مانند موزه متروپولیتن با قاچاقچیان همکاری داشت پس لازم بود که موضوع در رسانه‌های گروهی مطرح شود. در نتیجه

من تحقیق بیشتری را شروع کردم

گنجینه لیدیایی در ۱۹۹۳ به ترکیه بازگشت. دلیل این تأخیر چه بود؟

نخست، پنهان‌کاری در موزه متروپولیتن افزایش یافت. هم‌زمان، من به ملاقات با روستاییان و مقامات رسمی در ناحیه‌ای که قلمرو پیشین لیدیا بود پرداختم. در طول شانزده سال خبری در این مورد منتشر نکردم و به تحقیق و جمع‌آوری مدرک مشغول بودم. اگر در این مورد مطلبی می‌نوشتم، موزه متروپولیتن نمایش گنجینه را به تأخیر می‌انداخت. آنها دیر یا زود مجبور بودند آن را به نمایش بگذارند زیرا تعدادی از افراد ثروتمند بین سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ در حدود ۱/۷ میلیون دلار برای تضمین خرید این آثار پرداخته بودند. موزه بالاخره پنجاه قطعه از سیصدوپنجاه قطعه این گنجینه را در تابستان



در جست‌وجوی حقیقت



یک قاچاقچی اصلاح شده در مقبره تلی آق تپه، که ۳۵۰ اثر باستانی از آن سرقت شده بود.

چهارصد ثروتمند ایالات متحد آمریکا است. اقدامات قانونی مجدداً شروع شد و ده سال ادامه یافت تا اینکه کوچ متوجه شد شکست خواهد خورد و گنجینه را به ترکیه بازگرداند.

از آن زمان به بعد روی پرونده‌های بسیار زیادی کار کرده‌اید...

بله و به این زودی هم از این کار دست برنمی‌دارم. میراث فرهنگی ترکیه مانند میراث فرهنگی یونان، قبرس، عراق، سوریه، ایران، هند، کامبوج یا چین در معرض تهدید است. تعداد شهرهای باستانی یونانی و رومی در ترکیه بیش از تعداد آنها در خود یونان و روم است. ترکیه ۵۰ هزار روستا دارد اما تعداد جایگاه‌های باستانی قبل از اسلام آن به ۷۰ هزار می‌رسد. بررسی دقیق ارزش پولی تجارت غیرقانونی آثار هنری اگر غیرممکن نباشد، بسیار مشکل است. طبق محاسبات یک مؤسسه فرهنگی در نیویورک در ۱۹۸۹، آمریکایی‌ها در سال ۱۹۸۸ حدوداً پنج میلیارد دلار صرف آثار هنری کرده بودند. دو میلیارد دلار از کل این مبلغ صرف آثار هنری قاچاق، مسروقه و یا جعلی شده است. ارزش کلی آثار هنری که از ترکیه قاچاق شده‌اند بین سیصد و چهارصد میلیون دلار برآورده شده است. تنها دو یا سه میلیون از این مبلغ، یعنی کمتر از یک درصد نصیب سارقان ترک شده است.

با توجه به تجربه‌ای که دارید، به نظر شما مؤثرترین راه برای پایان دادن به قاچاق آثار تاریخی چیست؟

نخست، باید طرز نگرش خریداران را تغییر دهیم. پرونده‌هایی که برنده آنها ترکیه بوده است، موزه‌ها و مجموعه‌داران را از خریدن آثار قاچاق منصرف کرده‌اند. آنها نمی‌خواهند گرفتار پرونده و دادگاه شوند، نامشان در روزنامه‌ها چاپ شود و متحمل ضرر و زیان مالی شوند. موزه متروپولیتن و کوچ به ترتیب ۱/۷ و ۳/۵ میلیون دلار برای مجموعه‌هایشان پرداخته بودند. آنها حداقل دوبرابر این مبلغ را صرف هزینه‌های قانونی کردند. دوم اینکه، ترکیه باید با موزه‌های کشورهای خریدار موافقت‌نامه‌هایی با این مضمون امضا کند: «آثار هنری قاچاق را خریداری نکنید - اما آثار تاریخی خود را هر سه یا چهار سال برای شما می‌فرستیم تا در نمایشگاهی به نمایش گذارید.» درحقیقت، در پانزده سال گذشته ترکیه آثاری را که برای برگزاری سی‌وپنج نمایشگاه کافی بوده‌اند به کشورهای دیگر فرستاده است. سوم، افشای مافیای قاچاق و رابط‌های بین‌المللی آنها و پایان بخشیدن به کار آنها. به عنوان مثال، تلی، مجبور شد حرفه قاچاق را کنار بگذارد. برادرش در لندن به دلیل قاچاق هرویین در زندان بود. چندین دلال معتبر عتیقه زمانی که فهمیدند شرکای آنها درحقیقت با قاچاقچیان معامله دارند اطمینان خود را به آنان از دست دادند.

بعضی از آثار هنری که به کمک شما به ترکیه بازگشته‌اند، لیدیایی، یونانی و رومی هستند. آیا آنها واقعاً جزئی از میراث فرهنگی ترکیه محسوب می‌شوند؟

تمام این آثار در آناتولی ساخته شده‌اند. آیا گلدان یوفرانوس موزه متروپولیتن متعلق به ایتالیاست یا یونان؟ به‌طورقطع متعلق به آمریکا نیست. سازندگان آن یونانی بودند، اما این گلدان بخشی از تاریخ ایتالیاست. به‌جای فکر کردن به مالکیت ملی باید مالکیت و حفاظت میراث فرهنگی را به نام جامعه

بشری در نظر داشته باشیم. آثار هنری متعلق به تروی اکنون در چهل و دو موزه مختلف در سراسر دنیا پیدا شده‌اند. نمی‌دانم چند مورد از آنها در مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند. چگونه یک محقق می‌تواند به تمام این موزه‌ها سفر کند؟ اگر در موزه‌ای نزدیک شهر باستانی تروی به معرض نمایش گذاشته می‌شد، همه می‌توانستند از آنها بهره‌مند شوند. فعالیت‌هایی نیز در قبرس انجام داده‌اید؟

امیدوار بودم بتوانم پرده از قاچاق نقاشی‌های دیواری و موزایک‌های کلیساهای بیزانسی بردارم. آنها بار دیگر جزو دارایی‌های مشترک جامعه بشری شده‌اند. مقالات من درباره قاچاقچی ترک در فراهم کردن زمینه‌های استرداد آثار هنری از ایندیاناپولیس به قبرس جنوبی خیلی به یونان کمک کرد. در لندن، دو جلد قرآن یافتیم که از یک مؤسسه خیریه ترک در جزیره یونانی رودس دزدیده شده بودند. آنها بازگردانده شدند. در یک گالری در نیویورک هم به گنجینه طلای میسنی برخوردیم. ضمن صحبت با نمایندگان سیاسی سفارت یونان در واشینگتن آنها را در مورد بهترین راه برای تضمین بازگرداندن آثار هنری بدون تحمل مخارج قانونی راهنمایی کردم.

درحال حاضر در چه موردی تحقیق می‌کنید؟

درحال تحقیق درباره مجسمه «هرکول خسته» هستم که نیمی از آن در موزه آنتالیا (ترکیه) و نیمی در اختیار مجموعه‌داران خصوصی است. متأسفانه، بیل کلینتون، قبل از خاتمه دوران ریاست جمهوری، خانم شلبی وایت را که در مالکیت مجسمه شریک است به عضویت در گروه مشورتی جلوگیری از غارت آثار هنری منصوب کرد. هم‌چنین برای بازگرداندن شش اثر از طلا متعلق به گنجینه کروزوس که درحال حاضر در تصرف یک گالری در فرانسه است با مسئول ترکیه همکاری دارم.

آیا تا کنون تهدید شده‌اید؟

بله. بارها تلفنی تهدید شده‌ام. حتی یک بار سعی کردند مرا درحالی که در تعطیلات تابستانی به سر می‌بردم بدزدند. از بسیاری گالری‌های نیویورک بیرونم کردند زیرا فکر می‌کردند مأمور مخفی دولت ترکیه هستم. چندین بار هم در موقعیت‌های مختلف در ترکیه به دادگاه کشیده شده‌ام. ■

اطمینان دارم که فاتحان آینده خواهند آموخت... شهرهایی را که تسخیر می‌کنند غارت نکنند و از درد و رنج مردمان دیگر برای جلوه بخشیدن به وطن خود استفاده نکنند.

پولوبیوس مورخ یونانی (۲۰۳ - ۱۲۰ قبل از میلاد)